

## احوال شخصیه

چون منظور نهائی اینجانب از توضیح مسائلی تحت عنوان « احوال شخصیه » بیان قواعد و مسائل احوال شخصیه در مذاهب اربعه اهل سنت و جماعت ( شافعی - حنفی - حنبلی - مالکی ) و همچنین موارد اختلاف بین احکام شرعیه در مذاهب مذکوره با قانون مدنی و سایر قوانین مربوطه ایران ( مذهب جعفری اثنی عشریه ) در مسایل پیش بینی شده ضمن ماده واحده مصوب ۱۳۱۲ ( ارث و نکاح و طلاق و وصیت و توضیحاتی در زمینه فرزندخواندگی ) میباشد میمورد نمیدانم مقدمه توضیحاتی در مورد علت وضع و تصویب ماده واحده مزبور نوشته شود.

در دنیا شاید نظیر کشور باستانی ایران یافت نشود که اکثریت سکنه آن در عین تعصب به معتقدات خود همواره بانظر احترام به عقاید و افکار اقلیتهای مذهبی بنگرند که عقیده غیر از عقیده اکثریت داشته و احیاناً مخالف با عقیده اکثریت باشند.

ما می بینیم در تهران اقلیتهای یهودی و مسیحی و زردشتی در جوار علمای بزرگ شیعه و همچنین دارای مذاهب سنت و جماعت سکونت داشته اند و در کمال آزادی زندگانی می کرده اند یادشهرهائی که اکثریت سکنه آن سنی مذهب بوده و هستند مانند سنندج مشاهده میکنیم شیعه مذهب و اقلیتهای مسیحی و یهودی چگونه توانسته اند در رفاه و آسایش زندگانی نمایند و از حیث انجام معتقدات و مراسم دینی خود آزاد باشند و اگر اتفاقاتی خلاف این آزادی بوده محرکین جاهل یا مغرضی داشته و بلافاصله با مداخله روحانیون عالیمقام و بزرگان کشور دفع و رفع شده است.

باین حقیقت متوجه میشویم که ایرانیان گذشته از سجایای ملی باستانی تحت تأثیر تعالیم عالییه اسلام معتقد بوده اند که باید برای افکار و عقاید مخالف احترام قایل شد. این امر در نظر مؤسسين و بنیان گذاران مشروطیت ایران که خوشبختانه باز بزرگان ایشان علمای اعلام و پیشروان دینی بوده اند کاملاً منظور بوده است و بوضع عجیب و قابل توجهی ابراز شده است.

زیرا در عین حالیکه ضمن اصل اول متمم قانون اساسی مصوب ۱۴ ذی قعدة ۱۳۲۴ قمری طریقه جعفری اثنی عشریه مذهب رسمی ایران اعلام شده و پادشاه ایران باید دارای این مذهب باشد ماده ۷ نظامنامه انتخابات دو درجه مصوب ۱۲ جمادی الثانی ۱۳۲۷ قمری و ماده ۶ قانون انتخابات مصوب ۲۹ شوال ۱۳۲۹ در مقام اعلام شرایط انتخابات نمایندگان ملت اینطور بیان داشته :

« متدین به دین حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله باشند مگر اهل دیانت از نمایندگان ملل متنوعه ( مسیحی - زردشتی - کلیمی ) ».

در حالیکه از لحاظ جامعه اسلامی زرتشت پیغمبر اسلامی (سامی) نیست و یک پیامبر آریائی است و برسمیت شناختن پیروان آن مذاهب و تقریر یک نماینده برای ایشان ضمن جدول انتخابات ناشی از همان افکار و نیاتی است که مبین توجه زمامداران ملی و دینی ایران بر لزوم احترام بافکار و عقاید مخالف میباشد بعلاوه نشان میدهد که با ذکر : « متدین بدین حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم » خواسته موضوع حصر اسر را بجامعه شیعه رفع نماید.

احترام بافکار و عقاید مخالف و لزوم عنایت به قواعد مسلم متبعه بین ملل متنوعه ( باصطلاح واضعین قانون انتخابات ) و بین صاحبان مذاهب مختلفه ( باصطلاح واضعین ماده واحده مصوب ۱۳۱۲ ) در جریان قضاوتهای شرعیه و عرفیه قبل از شروطیت و پس از آن تا تاریخ تأسیس دادگستری نوین بدست مرحوم داور دیده شده است که وقتی بین صاحبان مذاهبی غیر از مذهب شیعه که مذهب رسمی ایران بوده اختلافاتی ایجاد شده و باستناد مقررات مواد ۴۲ الی ۱۴۹ قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۹ ذی قعدة ۱۳۲۹ بمحضر شرعیه ارجاع گردیده علمای اعلام با عنایت کامل بعواطف و احساسات مذهبی طرفین متداعیین در مقام حل و فصل اسر برآمده اند و این موضوع مخصوصاً در شهر سنندج سوابق بسیاری دارد.

وقتی کاپیتولاسیون ملغی شد و مرحوم داور بنیان دادگستری نوین را گذارد و بزرگان دادگستری که خوشبختانه اکثر خود از پیشروان دینی بودند درصدد برآمدند مقررات شرعیه از حیث قواعد یقینیه بصورت قانون در آید قانون مدنی با شرکت اعظمه دین تدوین و تصویب و ابلاغ شد.

با اینکه راه ارجاع بشرع مسدود یا محدود شده و قضاوة عرفیه ( محاکم عمومی ) اجباری بود دیگر قاضی نمیتوانست باوجود قانون مدون برخلاف آن قضاوت کند و ای بسا که طمع بشری یکی از طرفین متداعیین را وادار میکرد که از اجزای مقررات دینی خود سر باز زند و اجرای قانون مدنی را بخواهد و حال آنکه این اسر در بین سایر پیروان آن مذهب غیر منتظر بود.

اول بار در منطقه کردستان احکامی که در مورد نذور صادر شد توجه قوه قضائیه کشور را معطوف باین امر نمود که اجرای قانون مدنی ممکن است عمله معاملات مردم را بهمزند و هرج و مرجی در مراجعات مردم ایجاد نماید بصرف استناد پایتکه ضمن قانون مدنی ایران عقد نذر نشده است این بود ضمن بخشنامه شماره ۴۸۴ مورخه ۱۳۰۹/۱/۱۷ توجه محاکم به لزوم تبعیت از قواعد عمومی مربوط بمطلق عقود که در قانون مدنی مذکور است جلب شد و تا آنجا که نگارنده میدانم خیلی مؤثر واقع گردید ولی دستور مزبور مجوز قانونی برای محاکم نبود که یک فرد ایرانی و تابع قانون ایران را باوجود

## احوال شخصیه

مقرراتی در امر وصیت - ارث - نکاح - طلاق و سایر افراد کلی احوال شخصیه تابع مقررات دیگری بشناسد لذا از لحاظ لزوم احترام بافکار و عقاید مخالف عقیده اکثریت سکنه ایران که همواره اصل مسلم لازم الاتباع در کشور ایران بوده است ماده واحده مصوبه ۱۳۱۲ بشرح زیر تصویب شد.

**ماده واحده - نسبت باحوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان برسمیت شناخته شده محاکم باید قواعد و عادات مسلمه و متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع بانظمامات عمومی باشد بطریق ذیل رعایت نمایند :**

۱ - در مسائل مربوط بنکاح و طلاق عادات و قواعد مسلمه متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آنست .

۲ - در مسائل مربوطه بفرزند خواندگی عادات و قواعد مسلمه متداوله در مذهبی که پدر خوانده یا مادر خوانده پیرو آنست.

ممکن است علمای حقوق از لحاظ اینکه وضع ماده مزبور مخالف اصلی است که در نظر ایشان معتبر است وضع آنها باتعجب بنگرند که چگونه یک کشوری اجازه میدهد اتباعش از حیث بعضی از مقررات تابع قواعد مختلف باشند؟ ولی بارعایت اینکه اغلب اموری که در تاریخ تصویب ماده واحده مزبور مقرر میشد از لحاظ رعایت مصالح اجتماعی مخالف اموری بود که دیگران آنها اصل میسر شدند جای تعجب باقی نمی ماند.

مخصوصاً امروز که می بینیم مصالح عالی کشور ایجاب میکند که معتقدات مذهبی عده زیادی که سرتاسر مرزهای این کشور ساکن هستند محترم بشناسیم متوجه میشویم که وضع این ماده در تاریخ تصویب ضرورت تصویبی داشته و بزرگی فکر پیشنهاد کننده و مسبب آنها باثبات میرساند.

بنا براین باید مسلم دانست که با اینکه طبق اصل اول قانون اساسی مذهب رسمی ایران اسلام و طریقه جعفریه اثنی عشریه معرفی شده و در هیچیک از سایر اصول قانون اساسی و متمم آن و سایر قوانین موضوعه مملکتی هیچیک از سایر مذاهب رسمی معرفی نشده و ماده واحده مذکور هم این اجازه را مقید و مشروط برسمیت مذاهب غیر شیعه نموده اجراء ماده مزبوره بلاشکال است.

بلکه با توجه به شأن وضع ماده مرقومه بشرح صورت مجالس رسمی مضبوطه در مجالس شورایملی و باملاحظه اینکه پیروان سایر مذاهب اسلامی و زردشتی و مسیحی و کلیمی از کلیه قوانین ایران برخوردار هستند و طبق قانون اساسی عقاید در ایران آزاد و محترم است و اینکه بشرح معروض از پیروان سایر مذاهب اسلامی و طبق فهرست انتخاباتی ایران در مجلس شورایملی از سایر مذاهب اقلیتهای زردشتی و مسیحی و یهودی

## احوال شخصیه

نماینده رسمی در مجلس شورای دارند نتیجه مأخوذ آنست که مذاهب زردشتی و مسیحی و کلیمی و مذاهب سایر پیروان اسلام که عبارتند از شافعی و حنفی و مالکی و حنبلی هم رسمی میباشند و مقصود از ایرانیان غیر شیعه در ماده مذکوره پیروان مذاهب سرقومه است .

باضافه باینکه بطوریکه ملاحظه میشود در ماده واحده فقط مسایل مربوط ب نکاح و طلاق و ارث و وصیت و فرزند خواندگی را ذکر نموده ( فرزند خواندگی در هیچیک از مذاهب اسلامی مشروع نمیشد ) در صورتیکه از توجه بنظر مقرر در صدر ماده مزبور که احوال شخصیه را بطور مطلق ذکر نموده و اینکه طبق تعریف علماء حقوق برای احوال شخصیه و ملاحظه کلمتین ( از قبیل ) در ماده ۶ قانون مدنی مسلم است که ذکر موارد مذکوره در ماده واحده از جهة انحصاری و تحدیدی نبوده بلکه مقصود بیان مسائلی از آن بوده و معتقد است که ماده بالا علاوه از مواد مذکوره در آن شامل امور دیگری از قبیل حضانت و ولایت و قرابت میباشند .

چون اهم مطالب قواعد احوال شخصیه مسائل علم فرائض (مواریث) میباشند بدو تاریخچه از ارث و سپس بطوریکه فوقاً وعده داده ام به بیان قواعد و مسایل ارثی در مذهب شافعی و بعداً به توضیح سایر موارد احوال شخصیه در آن مذهب و احوال شخصیه در سایر مذاهب مذکوره باموارد اختلاف آنها می پردازد .

## تاریخچه مختصری از ارث

در زمان قدیم انتقال ترکه میت به غیر امر طبیعی بوده و از بدو خلقت هر کس فوت شده اموال او را دیگران برده اند لکن کیفیت آن باختلاف ازمینه فرق داشته است .

در قرون قبل از تمدن تصاحب ترکه میت بوسیله زور انجام میشده و افراد ضعیف و ناتوان محروم بوده از جمله زنان و دختران و بطور کلی طبقه انث از ارث محروم بوده اند و حتی گاهی زنان میت جزء ما ترک محسوب بوده و اشخاص زورمند از اقارب میت او را بعنوان ارث تصاحب میکردند .

تمدنهای قبل از اسلام هم نتوانست از این زور ناروا جلوگیری کند و بلکه در بعضی موارد این موضوع ناپسند ترویج داده میشد و اعراب هم در زمان جاهلیت ترکه را حق انحصاری مردانی میدانستند که زورمند بوده و در جنگ توانائی دفاع از هجوم سایر زورمندان داشته باشند و باین عنوان به اولاد صغیر میت ولو مذکر هم بودند چیزی نمیدادند .

این موضوع بکیفیت معروض تا ظهور اسلام جریان داشت و پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که رحمة للعالمین و از طرف حق سبحانه و تعالی مبشر و منذر بود در ضمن تزکیه اخلاق مردم متدرجاً این رویه ناپسند را بر طرف فرمود باین ترتیب قبلاً ذیحق و ذیسهام بودن زنان را از ما ترک میت بوسیله آیه کریمه :

« للرجال نصیب مما ترک الوالدان و الاقربون و للنساء نصیب مما

ترك الوالدان و الاقربون» و بعداً حرمت و قبح تصاحب کردن زنان شوهر مرده را بنام ترکه میت بوسیله آیه شریفه :

« يا ايها الذين آمنوا لا يحل لكم ان ترثوا النساء كرهاً »

و همچنین بوسیله ذکر کلمه «ذکر» در حدیث شریف :

« الحقوا الفرائض باهلها فما بقي فلاولى رجل ذكر » الغای سحر و میت

اطفال ذکور را اعلام فرمود .

و سپس حکم سایر امور متصوره بشرح سایر آیات مربوط قرآنی و احادیث نبوی و در مواردیکه ظاهراً آیات و احادیث نسبت بانها ساکت بوده بوسیله اجماع است و استنباط مجتهدین جامع شرایط از آیات و احادیث مربوطه به بهترین وجهی که متضمن رعایت نصیحت و عدالت اجتماعی باشد و سهم هر فردی متناسب مقام و موقعیتش در جامعه روشن باشد با در نظر گرفتن درجه قرابت او نسبت بمیت و رعایت تحمل امور ضروری اشخاص از ورثه معلوم گردید .

علاوه از تشریح مقررات مربوطه به اصل موضوع حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ترغیب و تشویق تعلیم و تعلم علم فرائض و زیادی اهمیت آن اواسر موکدی فرموده از آن جمله احادیث شریف :

« تعلموا الفرائض و علموها الناس فانی امرء مقبوض و ان العلم

سیقبض و تظهر الفتن حتی تختلف اثنان فی الفریضة فلا یجدان من یقضی بینهما » و نیز فرموده است :

« من علم فریضة کان کمن اعنق عشر رقاب و من قطع میراثاً

قطع الله میراثه من الجنة » و نیز فرموده است :

« تعلموا الفرائض فانما من دینکم و انه نصف العلم و انه اول علم

ینزع من امتی . »

۱ - آیه هفتم سوره نساء - خلاصه تفسیر آن این است : برای بازماندگان میت اعم از مذکر و مؤنث از ما ترك آنها سهمی است .

۲ - آیه نوزده سوره فوق که خلاصه تفسیر آن این است : ای گرویدگان باسلام برای شما مباح نیست که زنان شوهر مرده را بعنوان ارث قهراً تصرف کنید .

۳ - حدیثی است که ابو عبدالله حاکم نیشابوری محمد بن عبدالله در کتاب المستدرک روایت نموده و معنی آن این است یعنی یاد بگیرید .

۴ - معنی حدیث شریف این است : هر کس یاد بدهد بدیگری یک مسئله فرائض را مثل این است که ده عبد را آزاد کرده باشد و هر کس وارثی را از سهمی الارثی که باید ببرد محروم کند خداوند او را در بهشت بی نصیب نماید .

۵ - حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله سلم خواسته اند بوسیله این حدیث شریف اهمیت تعلیم و تعلم علم فرائض را خاطر نشان فرموده اند که علم فرائض نصف علوم شرعیه است و چون اولین علمی از علوم اسلامی است که از میان امت من برداشته میشود تأکید و تشویق و ترغیب فرموده که آنرا یاد بگیرید چون از قواعد دینی شما میباشد .

## اصل موضوع

ارث در فقه بمعنی رسیدن ماترك میت به بازماندگان او است و در اصطلاح فقهاء اسلامی همان معنی لغوی است با قید تعیین سهام ورثه چه از حیث سهام ذوی الفروض و چه از جهة حق عصبه و غیره.

بنابراین ظاهراً ارث اعم از فرایض است.

بجهة اینکه فرایض که جمع فرض است بمعنی سهام مقدور و معین از طرف شارع مقدس ( نصف - ثلث - ثلثان - ربع - سدس - ثمن ) بوده ولی بعداً فرایض بر سایر سایل ارثیه و سهام غیر ذوی الفروض یعنی بر سهامی هم که مقدار آن صریحاً تعیین نشده یا سایر حساب مربوطه بآن اطلاق گردیده لذا میتوان گفت اصطلاحاً ارث و فرایض مترادف میباشند و تعریف جامع و مانع مختصر علم فرایض عبارت است از فهم مسایل قسمه ترکه میت بین وراث و ادراك مسائل حساب مربوط بآن و از این تعریف موضوع آن که عبارت از ترکه و وراث است و فایده آن که عبارت از شناسائی سهم و نصیب اشخاص ذی سهم از ماترك متوفی است فهمیده میشود.

علماء فقه معتقدند باینکه دانستن علم فرایض متوقف بر دانستن سه علم دیگر است.

۱ - علم حساب یعنی تسلط بر قواعدیکه بوسیله آن بتوان مجهولات عددی را

بدست آورد.

۲ - علم نسب یعنی دانستن نحوه و کیفیت نسبت قرابت سببی یا نسبی هر یک از

وراث به متوفی .

۳ - علم فتوی یعنی قدرت و احاطه بر بیان حکم یعنی اطلاع بر انواع وراث

و صنوف آنها و اینکه کدام مقدم برد دیگری است و دانستن سهم هر یک از وراث در انفراد و اجتماع که بتواند حکم مسئله را بیان نماید.